

اقسام محارم سببی و نسبی از دیدگاه تفاسیر فریقین

خدیجه جلالی

سارا طباح^۱

چکیده

شناسائی مصادیق محارم سببی و نسبی یه جهت تأثیر بسیار آن در زندگی دنیوی خاصه در امر ازدواج، نظر به نامحرم، شیردهی و... و بالمآل اثر زیاد آن در حیات اخروی اهمیت بسیاری دارد. تبیین مصادیق برخی از آنها با توجه به نصوص آیات قرآن و روایت رسیده آسان است ولی در برخی موارد به خاطر عدم نص صریح اختلاف شده است. محقق در این مقاله تلاش کرده است با استناد به مصادر کتابخانهای و بهره گیری از متون تفاسیر شیعی و سنت و نیز مجامع حدیثی فریقین، این محارم را دسته بندی نموده و مشترکات آنان را در فقه اندیشمندان تشیع و عالمان سنت مورد ارزیابی قرار دهد.

؟؟

این مقاله ضمن تبیین احکام فقهی محارم و طرح مصادیق مشترک و متفرد از منظر فقه امامیه و مذاهب اهل سنت، بدنبال این مهم است که میزان اختلافات بسیار محدود و به ؟؟ ؟؟ مورد بیشتر نمی رسد و البته آن هم به جهت نبود نص صریح در منابع استنباطی بوده است.

کلید واژه ها : "محرم"، "محارم سببی"، "محارم نسبی"، "محارم رضاعی"

^۱. مدرس حوزه دانشگاه jalalidibaji@gmail.com

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث yyaali073@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم در بیان محارم سببی و نسبی و رضاعی شیوه‌ای حکیمانه داشته و زمینه‌سازی برای تأمل و تفکر در این مسائل را فراهم آورده است. در این نوشتار سعی شده که مسائل فقهی مربوط به محارم با استناد به منابع اصیل آورده شود تا آنچه که موجب حرمت ازدواج مرد و زن میشوند و نیز عواملی که موجب فسخ و باطل نمودن ازدواج میگردند مبرهن شوند.

در این راستا نظرات مشترک و متمایز فریقن روشن خواهد شد و مورد کنکاش فقهی قرار خواهد گرفت. در تحقیقات پیشین قرآن پژوهان احکام مربوط به هر کدام از مسائلی که سبب نشر حرمت می‌شود پرداخته شده ولی تاکنون نظرات شیعه و مذاهب اهل سنت با هم مقایسه نشده است. بپتدید اگر این امر به نهایت برسد، به همدلی این دو گروه بزرگ اسلامی به جهت کثرت بیحصر مشترکات در برابر قلت بسیار مفترقات میانجامد. چیزی که قرآن همواره به آن اشاره و تصریح داشته و روایات پیامبر و ائمه طاهرین و منقولات صحابه بر آن تأکید داشته اند.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (آل

عمران ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

عن رسول الله ص و أخرج الطبرانی عن زيد بن أرقم قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم انى لكم فرط و انكم واردون على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فى الثقلين قيل و ما الثقلان يا رسول الله

قال الأكبر كتاب الله عز و جل سبب طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم فتمسكوا به لن تزالوا أو لا تضلوا و الأصغر عترتي و انهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض و سألت لهما ذاك ربي فلا تقدموهما لتهلكوا و لا تعلموهما فإنهما أعلم منكم. درالمنثور ج ۲، ص ۶۰

مفهوم شناسی

محارم در لغت از ریشه "ح ر م" گرفته شده و جمع حرم و به معنای حرام است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۲/۱۲۵)

در اصطلاح فقه اسلامی به افرادی گفته می شود. (هاشمی شاهرودی: ۱۳۹۲-۱۳۹۵ش؛ فراهیدی: بی تا) که با واسطه سبب یا رضاع و یا نسب خویشاوند هستند. ازدواج با محارم در اسلام حرام است و این حرمت یا به صورت تحریم ابدی برای ازدواج است (حلی، ۱۴۰۰ق: ۱/۳۵۹) یا به صورت موقت و گذرا که با استفاده از شرایط خاصی این حرمت برداشته می شود. وقتی حرمت ثبوت پیدا کرد قانون حجاب اسلامی که پوشاندن تمام بدن به غیر از صورت و مچ دست ها می باشد جاری نمی شود و می توانند زنان مقابل محارم خود حجاب اسلامی رعایت نکنند؛ البته حدود نگاه همسر با حدود نگاه به بقیه محارم متفاوت است. (بنی هاشمی حسینی، ۱۳۸۵ش: ۱/۲۵۵)

اسباب تحریم و اقسام محارم

اسباب تحریم: سبب و نسب و رضاع است و بر همین اساس محارم هم به سه دسته محارم سببی، نسبی، رضاعی تقسیم می شوند:

۱. محارم نسبی

محارم نسبی کسانی هستند که از طریق خونی با یکدیگر خویشاوند هستند که یا از طریق نکاح صحیح یا وطی به شبهه خویشاوند می باشند. (محقق حلی، ۱۳۷۷ش: ۲/۲۵۵) یا این سبب به صورت نامشروع ثبوت پیدا کرده هر یک از زن و مرد بواسطه خویشاوندی و نسب برهم حرام می شوند، البته نظر امامیه و فقهای شیعه و نظر مذاهب اهل سنت تفاوتی دارد که به ترتیب بیان خواهد شد.

امامیه با استناد به سوره نساء آیه ۲۳: {حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ}. (حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و

عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادران زن و دختران زن).

محارم ناشی از نسب را به شرح زیر برشمرده‌اند:

۱. مادر هر چه که بالا رود یعنی مادر مادر، مادر مادر مادر مادر و ...

مادر به زنی گفته می‌شود که مرد را به دنیا آورده و یا نسب آن مرد به زن چه از طریق پدر چه از طریق مادر می‌رسد به عبارتی مادر مادر بزرگ پدری و مادری هر چه که بالا رود حرام است و نمی‌توان با آن‌ها ازدواج کرد.

۲. دختر و نوه دختری و نوه دختری دختر هر چه که پائین رود

۳. دختر پسر و هر چه که پایین رود. در مورد دختر دختر و دختر پسر اگر نسبش از طریق ولادت حتی با چند واسطه به شخص مورد نظر برسد حرمت محقق می‌شود. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ش: ۱۵۴/۵؛ نجفی الجواهری، ۱۳۹۱ ش: ۲۳۸/۲۹؛ نساء: ۲۳)

۴. خواهر و دختر خواهر یعنی خواهرزاده هر چه که پایین رود.

خواهر کسی است که یا از پدر و مادر مرد متولد شده و یا فقط از یکی از پدر و مادر متولد شده و یا نسبش به پدر و مادر یا یکی از آن‌ها برسد.

۵. دختر برادر یعنی برادر زاده هر چه که پایین رود چه تنی باشد برادر چه ناتنی. (شهید ثانی،

۱۳۹۸ ش: ۱۵۴/۵؛ خمینی، ۱۳۸۸ ش: ۲۳۸/۲)

۶. خاله و بالاتر

۷. عمه و بالاتر (ابوالفتح رازی، ۱۳۷۶ ش: ۳۰۵/۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۴۱۷/۴)

این حرمت دوطرفه خواهد بود. مثلاً اگر میگوییم مرد با دختر خود نمی‌تواند ازدواج کند دختر هم با پدر خود نمی‌تواند ازدواج کند و یا اگر بگوییم زن نمی‌تواند با برادر خود ازدواج کند مرد هم نمی‌تواند با خواهرش ازدواج کند. در مورد محارم نسبی امامیه و مذاهب اهل سنت اتفاق نظر دارند و هر دو به آیه‌ی ۲۳ سوره نساء استناد کرده‌اند.

محارم سببی

برخی از محرمیتها به سبب مصاهره است:

مصاهره از ریشه "ص ه ر" به کسر صاد است و به معنای دامادی و به دامادی پیوستن است. (این منظور، ۴۱۴ق: ۴۷۱/۴؛ جواهری، ۱۳۶۸ش: ۷۱۷/۲؛ فرقان: ۵۴)

مصاهره از نظر فقهی یعنی علاقه‌ای میان که به واسطه عقد نکاح پدید می‌آید و موجب حرمت می‌شود: (نراقی، ۱۴۱۵ق: ۲۹۹؛ بحرانی، بی تا: ۴۱۰/۲۳ و ۴۵۵؛ طباطبایی، بی تا: ۱۶۵/۱۰؛ شهید ثانی، ۱۳۹۸: ۵/ ۱۷۶؛ جواهری، ۱۳۶۸ش: ۴۵۵/۲ قرآن به واژه صهر آن اشاره کرده است { وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا } (فرقان: ۵۴). (او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را [دارای] نسب و سبب قرار داد / او نسل او را از این دو طریق گسترش داد؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است).

فقها مباحث نکاح را به سبب تعبیر می‌کنند زیرا به سبب نکاح محرمیت شکل می‌گیرد.

نظر تفاسیر و فقه امامیه

محارم ناشی از مصاهره در نگاه تفاسیر و فقهاء امامیه عبارتند از:

۱. زن پدر هرچه بالا رود مانند زن جد پدر و زن جد مادر بر پسر حرام می‌شود
۲. عروس هرچه پایین رود بر پدر مرد و پدر بزرگ او حرام می‌شود؛ حتی اگر عروس دختر انسان باشد یعنی زن نوه. حتی اگر با او دخول صورت نگرفته باشد به دلیل عموم آیه: {حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ} {وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ} (نساء: ۲۳ و ۲۲ شهید ثانی، ۱۳۹۸ش: ۵/ ۱۷۶؛ خمینی، ۳۸۸ش: ۲۸۸/۲-۲۸۹) (نساء: ۲۲ سیوطی: ۱۳۴/۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۱۲/۴) (۴۲۲)
۳. هم‌بستر شدن مرد با دختر چه حلال و حرام باشد مادر دختر بر مرد حرام ابدی است چه نزدیکی داشته باشند یا نداشته باشند. این مساله؛ به دلیل اطلاق سوره نساء در آیه ۲۳ جماعی می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ش: ۵/ ۱۷۶؛ خمینی، ۳۸۸ش: ۲۸۸/۲-۲۸۹)
۴. صرف عقد دختر، مادر دختر حرام ابد می‌شود اگرچه با آن زن نزدیکی نکرده باشد و هرچه بالا رود.
۵. مردی که با زنی وطی کرده، دخترش به او حرام است.

۶. مردی که با زنی عقد کند ولی هم‌بستر نشود و دختر بر عاقد؛ مرد حرام نیست و بعد از طلاق زن می‌تواند با دختر ازدواج کند البته پیش از نزدیکی با مادر این حکم مورد اتفاق فقها می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ش: ۵/۱۷۶؛ خمینی، ۳۸۸ ش: ۲/۲۷۷)
۷. خواهر همسر؛ که ازدواج با او ذاتاً حرام نمی‌باشد و اگر زن را طلاق دهد یا زن بمیرد می‌تواند با خواهر زن ازدواج کند که این مصداق حرمت موقت می‌باشد و جمع بین دو خواهر حرام است. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ش: ۵/۱۸۰-۱۸۱)
۸. جمع میان عمه و خاله با برادرزاده و خواهرزاده می‌توان کرد البته اگر عمه و خاله رضایت دهند در این مورد دو فرض وجود دارد:
- الف ابتدا با عمه و خاله ازدواج کند بعد با برادرزاده و خواهرزاده
ب) ابتدا با برادرزاده یا خواهرزاده ازدواج کند بعد با عمه و خاله
- فرض اول منوط به اذن گرفتن از عمه و خاله است و اگر بدون اذن عمه و خاله با خواهرزاده و برادرزاده ازدواج کند سه احتمال به وجود می‌آید:
- عقد دوم باطل است.
- عقد دوم معلق به رضایت عمه و خاله است و اگر عمه و خاله بخواهند عقد دوم فسخ شود عقد باطل می‌شود.
- عمه و خاله مخیر هستند که عقد خود را باطل کنند یا عقد خواهرزاده و برادرزاده را. گزینه میانی موجه‌تر می‌باشد. در فرض دوم اگر اول برادرزاده یا خواهرزاده را عقد کند و بعد عمه و خاله را، اگر عمه و خاله در جریان باشد می‌توان جمع کرد بین دو عقد ولی اگر عمه و خاله آگاه نباشد از این که مرد قصد ازدواج با آنها را داشته سه احتمال وجود دارد
۱. می‌توانند عقد خودشان را فسخ کنند.
 ۲. می‌توانند عقد خودشان یا عقد خواهرزاده و برادرزاده را فسخ کنند.
 ۳. عقد خودشان خود به خود باطل می‌شود. احتمال اول موجه‌تر می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ش: ۵/۱۸۱-۱۸۲)
۹. زنی که با او وطی به شبهه شده بر پدر وطی کننده و بر فرزند او حرام می‌شود و دختر زن وطی شده بر وطی کننده حرام است. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ش: ۵/۱۸۲)

۱۰. ازدواج کردن پدر با زنی که پسرش او را لمس کرده و نگریسته که به صورت حلال صورت گرفته کراهت دارد ازدواج پسر با زنی که پدرش او را لمس کرده یا نگریسته حرام است. (شهید ثانی، ۱۳۹۸ ش: ۵/ ۱۸۲؛ نساء: ۲۲)

نظر مذاهب اهل سنت

محارم ناشی از مصاهره در نگاه تفاسیر و فقهاء اهل سنت عبارتند از:

۱. اتفاق بر سر این که همسر پدر بر پسر به پائین حرام است هر چند پدر به آن زن دخول نکرده باشد. مستند این حکم سوره نسا ایه ۲۲ است. { وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا } (و نکاح مکنید زن پدر را (بعد از این حکم) الا آنچه از پیش کرده/اید، زیرا این کاری است زشت و مبعوض (خدا) و بد راه و رسمی است.) (طبری، ۲۱۷/۲؛ میبیدی، ۳۷۷ ش: ۴۶۲/۲)

۲. اتفاق نظر بر این مسأله که عروس بر پدر به بالا حرام است هر چند فرزند دخول نکرده باشد مستند { حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. } (حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادران زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده‌اند اگر با آن زن مباشرت کرده باشید، و اگر دخول با آن زن نکرده (طلاق دهید) باکی نیست (که با دختر او ازدواج کنید). و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی و نیز حرام شد جمع میان دو خواهر مگر آنچه پیش از نزول این حکم کرده/اید (که خدا از آن درگذشت) که خدا (در حق بندگان) بخشنده و مهربان است.) (نساء: ۲۳؛ رازی، ۲۳/۱۰)

۳. اتفاق بر اینکه مادر زن به بالا حتی اگه دخول نکرده باشد.

۴. اتفاق نظر در این مسأله که اگر با همسر فقط لمس و نگاه باشد می‌تواند با دخترش ازدواج کند ولی اگر مرد بر زن دخول کند دیگر با دختر نمی‌تواند ازدواج کند.

۵. اما در جایی که عقد کرده زن را ولی دخول نکرده اما نگاه و لمس شهوت آمیز داشته است اختلاف وجود دارد. امامیه و شافعیه و حنابله می گویند دختر فقط در صورت دخول حرام می شود و نگاه و لمس اثری ندارد چه شهوت آمیز چه غیر آن. حنفیه و مالکیه می گویند لمس و نگاه شهوت آمیز مثل دخول موجب حرمت می شود. اختلاف دیگر این است که سبب مصاهرت را امامیه هم ازدواج دائم و موقت می دانند ولی مذاهب اهل سنت ازدواج موقت را سبب مصاهرت نمی دانند و به آن اعتقادی ندارند. و فقط ازدواج دائم را سبب نشر حرمت می دانند.

نکته: وطی به شبهه در اثبات نسب و حرمت های مصاهره مثل حکم ازدواج صحیح است. (مغنیه، ۴۰۲ق: ۱/ ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۴۰۷؛ نساء: ۲۳)

۶. مرد نمی تواند جمع بین دو خواهر بکند، زیرا حرام است یعنی مرد نمی تواند با خواهر زنش هم ازدواج کند و تنها در صورتی این امر جایز است که همسرش را طلاق دهد یا همسرش فوت کند. (همان) دلیل آن آیهی قرآن است. {أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ} (جمع بین دو خواهر حرام است).

اگر با هر دو خواهر ازدواج کند و هم زمان آن ها را عقد و با هر دو آمیزش کند هر دو بر مرد حرام ابد می شوند زیرا آمیزش با عقدی بوده که باطل بوده است. (نساء: ۲۳) اگر دو خواهر را با یک عقد به همسر گیرد باطل می شود آن عقد و هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارد و هر دو زن عقدشان باطل می شود (نجفی، ۱۳۹۱ش: ۲۸۳/۲۹) و مرد میتواند بین آن دو مخیر باشد و البته این مسئله اختلافی است.

محارم رضاعی

همان گونه که نسب و سبب باعث حرمت و عدم ازدواج برخی افراد می شود رضاع هم احکامی دارد که اگر آن احکام و شرایط ایجاد شود باعث نشر حرمت می شود و دانستن احکام باعث جلوگیری از ازدواج های حرام می شود. رضاع در لغت به معنای نوشیدن شیر از پستان انسان و گاو و گوسفند و... می باشد. (فراهیدی، بی تا: ۱/ ۲۱۷) رضاع در اصطلاح فقهی به معنای شیر دادن زن به نوزاد می باشد که باعث حرمت می شود و به این محارم؛ محارم رضاعی گفته می شود (محقق حلی، ۱۳۷۷ش: ۲/ ۲۶۶) و اتفاق

دارند شیعه و سنی به این که آنچه به نسب حرام است به واسطه رضاع هم حرام است. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۵؛ مغنیه، ۴۰۲ق: ح: ۱، ۳۱۶)

مادر رضاعی کسی است که نوزادی را شیر داده و این زن مادر رضاعی این نوزاد می شود مادر آن زن و مادر شوهر آن زن هم مادر رضاعی محسوب می شوند. خاله رضاعی کسی است که خواهر مرضعه می شود و برادران مرضعه دایی نوزاد می شوند و پدر مرضعه پدربزرگ نوزاد می شود. برادر رضاعی و خواهر رضاعی فرزندان زن شیرده هستند دختر رضاعی شما هر زنی است که از شیر شما خورده یا از شیر عروس شما خورده باشد و یا از شیردختر شما چه نسبی و چه رضاعی خورده باشد.

عمه و خاله های رضاعی نوزاد عبارت اند از: خواهر مرد صاحب شیر، خواهران زن شیرده و جد نسبی زن شیرده یا جد رضاعی او، عمه و خاله رضاعی نوزاد محسوب می شوند.

خواهرزاده رضاعی کسی است که دختران فرزندان زن شیرده، دختران فرزندان صاحب شیر چه اولاد نسبی باشند چه رضاعی باشند و هر زنی که دختر یا خواهرتان به او شیر داده است.

برادرزاده رضاعی کسی است که دختران هر مردی که مادرش او را شیر داده و یا از شیر پدر شما خورده است. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۴)

شرایط تحریم رضاع

رضاع شرایطی دارد که باعث نشر حرمت می شود:

احکام رضاع بر اساس فقه امامیه :

شرط اول: شیر زن از نکاح موقت، دائم، ملک یمین یعنی زنی که کنیز مرد است که با او وطی کرده ایجاد می شود. حالا اگر وطی به شبهه باشند یعنی هردو گمان می کنند که بهم حلالند اما در اصل این طور نیست. اگر وطی به شبهه از هردو طرف باشد حکم رضاع جاری می شود ولی اگر گمان وطی به شبهه از یک طرف باشد حکم رضاع حق کسی است که نسب برایش ثابت است جاری می شود. با توجه به این شرایط اگر شیر از وطی حلال نباشد حکم رضاع ثبوت پیدا نمی کند چه این شیر از زن صغیره، کبیره یا باکره یا غیره.

شرط دوم: شیر از زنی باشد که حامله است. پس اگر زن شیرده حامله نباشد شیردادن او موجب

نشر حرمت رضاع نمی شود. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۵-۱۵۶)

شرط سوم: زن شیرده باید زنده باشد پس اگر درمیان شیردهی از دنیا برود و شیردادن او به حدنصاب نرسد رضاع محقق نشده. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۶)

شرط چهارم: بر اثر شیر خوردن در کودک گوشت بروید و استخوانش محکم شود و اهل خبره باید به تحقق آن شهادت دهند و عادل باشند. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۵-۱۵۶)

یائینکه پانزده بار به او شیر دهد که شرط اصلی این است که پشت سرهم شیردهد. پس اگر در خلال شیردهی شیرزن دیگر به او بدهند رضاع محقق نمیشود. روایتی در این مورد هست. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۷)

شرط ششم: کودک زیر دوسال باشد. پس اگر دوسالش تمام شده باشد مثلاً دوسال و دوماهش باشد شیردهی موجب تحریم رضاع نمی شود و جایز است به فرزند نسبی خود بالای دوسال شیر دهد و با آن شیر به نوزاد دیگری که زیر دوسال است شیردهد و باعث نشر حرمت می شود. ملاک دوسال قمری می باشد یعنی بیست و چهارماه تمام بگذرد. (شهید ثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۵۷)

بر اساس قرآن کریم (بقره : ۲۳۳؛ اردبیلی، بی تا: ۵۶۸) حق شیردادن نوزاد در حال شیرخوارگی مخصوص مادر می باشد باید دوسال باشد. هزینه شیردادن برعهده پدر است و اگر اختلافی زن و مرد دارند یا طلاق گرفته اند نباید به نوزاد ضرر برسد. این آیه، به نام آیه رضاع خوانده می شود احکامی که گفته شده در آن آمده.

شرط هفتم: در میان شیر خوردن بچه از شیر زن دیگر یعنی از پستان زنی دیگر شیر نمکد، زیرا باعث عدم نشر حرمت رضاع می شود ولی جایز است در خلال شیردهی به بچه آب یا غذا و یا شیر زن دیگر به وسیله مکیدن فقط نباشد خوانده شود. برای مثال شیر زن دیگر را به وسیله شیشه شیر به نوزاد بدهند خللی در نشر حرمت رضاع وارد نمی کند و رضاع محقق می شود.

شرط هشتم: شیر از یک شوهر ایجاد شده باشد پس اگر زن از شیر شوهر اول پسری را شیر دهد و از شیر شوهر دوم پسر دیگری را و به همین ترتیب ادامه دهد. بچه‌ها برادر رضاعی نمی شوند زیرا صاحب شیر پدر رضاعی مختلف هستند ولی اگر از شیر یک شوهر دختر و پسری را شیر دهد آن دو خواهر و برادر رضاعی می شوند. پس باید صاحب شیر یک مرد باشد.

اما اگر مردی چند همسر داشته باشد حال زنان عقد موقت و چه دائم و چه ملک یمین باشند اگر همه زنان شیرده باشند حکم رضاع جاری می شود. (شهید الثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/۱۶۵) مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان در این رابطه می گوید: «همین که زن یکی باشد حتی اگر از شوهرهای

متفاوت شیر بدهد کفایت می‌کند و میان آن بچه‌ها حکم خواهر و برادر رضاعی جاری می‌شود و ایجاد حرمت برای ازدواج آن‌ها شکل می‌گیرد. « ولی در این مورد روایاتی برخلاف آن آمده‌است. (شهیدالثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/ ۱۶۸)

با توجه به شرایطی که گفته شد رضاع محقق می‌شود و زن شیرده مادر کودک می‌شود و صاحب شیر پدر او محسوب می‌شود و فرزندان آن‌ها خواهر و برادر رضاعی و خواهران برادران آن‌ها، عمو، خاله، دایی و عمه محسوب می‌شوند بنابراین پدرنسی کودک شیرخوار نمی‌تواند با فرزندان نسبی یا رضاعی مردی که صاحب شیر است ازدواج بکند. چون فرزندان صاحب شیر خواهر برادران نسبی فرزند نسبی پدر شیرخوار می‌شود و عنوان خواهر و برادر بر آن‌ها صدق می‌کند و پدر شیرخوار خواهر برادران رضاعی نوزاد خود حرام هستند زیرا طبق قاعده آنچه بر نسب حرام است بر رضاع هم حرام است. این‌جا جاری می‌شود و علت حرام بودن آن‌ها بر پدر کودک ایشان اخوه الولد هستند. روایاتی هم این مسئله را تصریح می‌کند که فرزند صاحب شیر به منزله فرزند پدر کودک شیرخوار است. همچنین پدر کودک شیرخوار نمی‌تواند با فرزندان نسبی زن شیرده ازدواج کند به دلیل روایتی از عبدالله بن جعفر می‌گوید: «به امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم که زنی فرزند مردی را شیر داد آن مرد می‌تواند با دختر این زن ازدواج کند؟ امام در پاسخ نوشتند که آن دختر بر او حلال نیست.» روایت دیگری هم این مسئله را تصریح می‌کند. صحیفه ایوب بن نوح: «فرزندان آن زن به منزله فرزندان تو شده‌اند.» پس پدر کودک شیرخوار نمی‌تواند با فرزند نسبی مرضعه ازدواج کند.

حرام بودن اولاد صاحب شیر: حکم اولاد زن بر پدر کودک شیرخوار این است که اگر مهدی با نرگس ازدواج کند و فرزندش علی شود و علی را مادر یا مادر بزرگ نرگس شیر دهد، خواه این شیر مربوط به پدر یا پدر بزرگ مریم باشد خواه نباشد، پس شیردادن کودک، مریم بر مهدی حرام می‌شود ازدواجشان باطل است. چون مریم فرزند نسبی مرضعه است و فرزند نسبی مرضعه بر پدر مرتضع که مهدی است حرام می‌شود. (همان)

شرط نهم: برادران و خواهران نسبی کودک شیرخوار می‌توانند با برادران و خواهران رضاعی او ازدواج کنند زیرا برادری و خواهری میان آن‌ها محقق نشده‌است.

مثال: اگر پدر علی پسری به نام حامد دارد و مادرها مختلف هستند مادر علی دختری دارد که پدرش غیر پدر علی است حامد و آن دختر خواهر علی هستند ولی این دو بر هم محرم نیستند و نسبت برادر و خواهری ندارند فلذا می‌توانند با هم ازدواج کنند. (شهیدالثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/ ۱۷۱)

شرط دهم: شخصی که دو زن دارد یکی کبیره و دیگری صغیره اگر همسر کبیره به صغیره شیردهد اگر به همسر کبیره دخول کرده باشد هر دو بر شوهر حرام ابد می‌شند ولی اگر دخول نکرده باشد بر همسر کبیره فقط همسر کبیره حرام ابد می‌شود ولی نکاح هردو باطل است. (شهید الثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/ ۱۷۱-۱۷۲)

شرط یازدهم: شهادت باید به رضاع به تفصیل باشد.

مثال: علی و مریم برادر و خواهر رضاعی هستند و برهم حرامند کفایت نمی‌کند چون اختلاف میان فقها وجود دارد. برخی قائل به پانزده مرتبه شیردادن هستند و برخی به ده بار پس امکان دارد رای شاهد و حاکم مخالف باشد در نتیجه اگر اینطور شهادت ندهد و نگوید که با نظر ده بار یا پانزده بار موافق است نمی‌توان گفت حرمت رضاع محقق شده است. (شهید الثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/ ۱۷۳؛ نجفی، ۱۳۹۱: ۲۹/ ۳۴۴ و ۳۶۶)

مستحبات و مکروهات مادر رضاعی

پس از بیان احکام وجوب و حرام اکنون به مستحبات و مکروهات پرداخته می‌شود. مستحبات و مکروهاتی برای زن شیرده وجود دارد اگر آن‌ها رعایت شود بسیار مفیدتر خواهد بود.

۱. مستحب است برای شیر دادن بچه زن شیرده عاقل مسلمان پاک‌دامن زیباروی خوش‌اخلاق باشد زیرا در متون دینی شیعه تاکید شده که این شرایط در حالات و رفتار نوزاد تاثیر می‌گذارد. پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید: «من فصیح‌ترین عرب هستم. چون از طایفه قریش هستم و در قبیله بنی سعد رشد یافته و از عشیره بنی زهره شیر خوردم.» این قبایل فصاحت داشتند پیامبر به شیری که از قبیله بنی زهره خورده مباحات می‌کند.

۲. اگر ضرورت پیش بیاید زن کافر هم می‌تواند شیر دهد و کراهتی هم ندارد. ولی اگر ضرورت وجود ندارد مکروه است و گفته‌اند برخی فقها که این کار در ضرورت نیز حرام است. اگر این امر ضرورت پیدا کند زن شیرده را از خوردن گوشت خوک و نوشیدن شراب منع می‌کند.

۳. کراهت دارد بچه را به خانه زن کافر ذمی فرستاد مکروه است و زن مجوسی مکروه تر است. کراهت دارد شیر زن از زنا به وجود آمده باشد و بچه از آن شیر بخورد در این مورد امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «شیر زن یهودی نزد من محبوب‌تر از شیر فرزند زناست.» (شهید الثانی، ۱۳۸۶ش: ۵/ ۶۶-۱۶۷)

احکام رضاع بر اساس مذاهب اهل سنت

پس از بیان نظرات فقهای شیعه حال به نظرات مذاهب اهل سنت پرداخته می‌شود. اهل سنت و شیعه همان گونه که گفته شده اتفاق دارند بر قاعده آنچه بر نسب حرام است بر رضاع هم حرام است. (مغنیه، ۱۴۰۲ق: ۳۱۷/۱)

نظرات مذاهب اهل سنت به شرح زیر می‌باشد:

۱. کودک باید از شیر زن بخورد در غیر این صورت موجب تحریم نمی‌شود. (همان، ۳۱۷؛ بجریمی، ۲۰۰۷م؛ بغوی، ۱۴۰۳ق: ۷/۹)
۲. زن شیرده کمتر از نه سال نباشد زیرا موجب نشر حرمت رضاع نمی‌شود. (بغوی، ۱۴۰۳ق: ۹/۷۹؛ مغنیه، ۱۴۰۲ق: ۱/۳۱۶) مالکیه در این باره می‌گوید دختر زیر نه سال هم می‌تواند به نوزاد شیر بدهد و موجب نشر حرمت رضاع می‌شود.
۳. در فقه حنفی اگر شیر زن از جانب شوهر به وسیله وطی نباشد یا از شوهرش دارای فرزند نیست ولی طفل را شیر دهد موجب نشر حرمت رضاع می‌شود. (بجریمی، ۲۰۰۷م: ۳۱۸/۱)
۴. در فقه حنفی و مالکی و حنابله لازم نیست که زن زنده باشد. بلکه اگر زنی فوت کند می‌توان از شیر او به کودک شیر خوراند و سبب نشر حرمت می‌شود. اما شافعی معتقد است که زن باید زنده باشد تا حرمت رضاع حاصل شود. (جزیری، ۱۴۲۴ق: ۴/۲۵۵ - ۲۵۴؛ مغنیه، ۱۴۰۲ق: ۲۱۸/۱)
۵. شیر اگر توسط راه‌های دیگر غیر از مکیدن پستان زن به شیرخوار برسد. مثل شیشه یا ریختن در دهان و بینی حتی اگر طفل خواب باشد نشر حرمت ایجاد می‌شود. زیرا ملاک روییدن گوشت و محکم شدن استخوان است. (همان)
۶. شیرخوار نباید بیش از دو سال داشته باشد. مالکیه دو سال و دو ماه را با هم جایز می‌داند و حرمت را جاری می‌شود. ابوحنیفه تا دو سال و نیم را جایز می‌داند. (وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ۱۳۹۶: ۲۲/۲۴۲) شافعی و حنابله معتقدند که نباید طفل بیش از دو سال سنش بالاتر رود. بعد از دو سال اگر شیر دهد موجب نشر حرمت نمی‌شود. (مغنیه، ۱۴۰۲ق: ۳۱۴/۴)
۷. شیر باید خالص باشد و مخلوط با مایع دیگر نباشد ولی اگر اوصاف شیر از بین نرود موجب تحریم می‌شود و اگر اوصاف شیر زایل شد حرمت جاری نمی‌شود. در این موضوع اختلافاتی

بین اهل سنت وجود دارد. حنفیه و مالکیه قائل به عدم تاثیر هستند اما شافعی می گوید: «اگر شیر و مقداری به معده کودک برسد موجب نشر حرمت می شود» (وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ۱۳۹۶ش: ۲۴۳/۲۲)

حنبللی ها می گویند: «اگر شیر با غذایی مخلوط شود حرمت حاصل نخواهد شد.»

۸. دفعات شیر دادن باید پنج مرتبه باشد و مذاهب اختلافی در آن ندارند ولی کمتر از پنج بار اختلاف وجود دارد که به شرح زیر است:

حنفیه و مالکیه با استناد به روایتی از احمد کثیری از صحابه معتقد می گوید: «با یک بار مکیدن رضاع حاصل می شود. همین که شیر به معده کودک برسد کفایت می کند.» حنابله و شافعیه قائل هستند این گونه رضاع حاصل نمی شود. پنج بار شیر خوردن باید انجام شود. برخی می گویند: «تعدد شیر به عرف بستگی دارد و غلط است در مورد رضاع ملاک را عرف قرار داد. بلکه ملاک شرع است همان گونه که در قرآن و روایات آمده است.» (همان: ۲۴۲؛ مغنیه، ۱۴۰۲ق: ۳۱۷/۱-۳۱۸)

رضاع کبیر

رضاع کبیر از نظر بعضی از روایات در اهل سنت به روشی برای ایجاد محرمیت گفته می شود. یعنی مرد اجنبی می تواند از شیر زن اجنبی بخورد و باعث ثبوت محرمیت و ایجاد رضاع بشود. این حالت از رضاع در میان برخی منابع اهل سنت دیده شده ولی شیعه به هیچ عنوان این مساله را قبول نکرده و در هیچ یک از کتب روایی شیعه این موضوع مطرح نشده است. فردی به نام داود ظاهری از اهل سنت این روایت را قبول کرده و رضاع از این طریق را جایز می داند. (سبحانی، بی تا: ۱/ ۲۸۸) فتوای برخی از اهل سنت بنا بر روایتی از عایشه است. این روایت به شرح زیر می باشد:

(مردی به نام ابو حذیفه همسری به نام سهله و پسر خوانده ای به نام سالم داشت. وقتی آیه ادعوهم لایبائهم نازل شد یعنی پسر خوانده معنا ندارد ابو حذیفه به سالم گفت: تو دیگر پسر ما نیستی ولی سالم از جهت علاقه ای که به این خانواده داشت نزد آنها می آمد و گاهی سهله تنها بود و همسرش ابو حذیفه از این موضوع ناراحت می شد، لذا خدمت پیامبر رسید مشکلش را عرض کرد پیامبر فرمود: «از شیر خودت به او بده و ضعیف گفت سالم کبیر است چگونه می توان به او شیر داد پیامبر ص فرمود: «می دانم و بزرگ است ولی جواب همان بود که گفتم» (نیشابوری، صحیح بن سالم، ج ۲، ص ۱۰۷۶؛ احمد بن حنبل، بی تا: ۱/ ۱۳۰؛ بیهقی، بی تا: ۷/ ۴۵۹). عایشه طبق همین روایت هر مردی که با او تکلم

می‌کرد را از شیر دختر برادر یا دختر خواهرش شیر می‌داد تا به او محرم شود. ولی همسران پیامبر برخلاف عایشه اجماع داشتند و این روایت را قبول نداشتند و این مسئله از نظر همسران دیگر پیامبر نیز جایز نبود. (بیهقی، بی تا: ۴۵۹ / ۷) این روایت در صحیح بخاری به صورت ناقص تا آیه ادعوهم لا بائهم آمده اما در پاورقی مابقی روایت در کتب دیگر ذکر شده است و توجیهی در مورد این روایت آمده که می‌گوید این روایت منسوخ شده و یا این که این حدیث مخصوص همان افرادی است که پیامبر فرمودند. در حال حاضر مذاهب اهل سنت این مسئله را قبول ندارند و در برابر سوالها و ایرادهایی که راجع به رضاع کبیر از آنها به آنها وارد می‌شود، توجیه می‌آورند و جوابهای نقض ارائه می‌کنند و می‌گویند: «عایشه در این موضوع خطا کرده و اشتباهی این مسئله را مطرح نموده است.» اما صاحب الفقه علی المذاهب الخمسه می‌گوید: «این امر سبب محرمیت می‌شود حتی اگر مرد نامحرم زن نامحرم را لمس کند.»

افرادی که به واسطه رضاع محرم می‌شوند عبارتند از:

۱. مادر. خواه مستقیم یا به واسطه پدر زوجه باشد جده پدری یا مادری هر چه بالا رود.
۲. دختر. منظور دختر صلبی است، خواه با واسطه یا با واسطه باشد. بنابراین شامل نوه پسری دختر هر چه پایین رود می‌شود.
۳. خواهر. خواه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشد.
۴. دختر خواهر هر چند پایین رود. خواه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشد.
۵. دختر برادر هر چند پائین رود. خواه پدر و مادری یا پدری یا مادری باشد.
۶. عمه. خواه خواهر پدر و مادری پدر یا خواهر پدری پدر و یا خواهر مادری پدر باشد. اما عمه محرم نیست مگر این که این عمه خودش خواهر پدر یا مادری پدر یا خواهر پدری پدر باشد اما اگر خواهر مادری پدر باشد عمه او محرم نیست.
۷. خاله‌ها محرمند. خواه خواهران پدری و مادری مادر یا خواهران پدری یا مادری باشند اما خاله‌های خاله در صورتی محرم هستند که خواهران پدر و مادری مادر بزرگ‌ها یا خواهران مادری آنها باشد اما اگر خواهران پدری آنها باشند محرم نیستند. (خمینی، ۱۳۸۸: ۲ / ۲۸۸؛ محقق حلی، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۸۸-۲۲۹) احکام رضاع و مصاهره و نسب و شرایط نشر حرمت آنها را در هر دو مذهب بیان کردیم و نظر هر یک از مذاهب اهل سنت و فقه امامیه را بیان

کردیم. شرایط دیگری هم وجود دارد که مانع از ازدواج و باعث ایجاد حرمت و باطل شدن نکاح می‌شوند که آن‌ها را هم در ادامه نام‌برده و هر کدام را توضیح خواهیم داد.

نتیجه

همان‌طور که ملاحظه شد احکامی وجود دارد که عدم اطلاع از آن‌ها موجب ارتباط‌های حرام می‌شود و سبب حرمت دائم یا موقت می‌شود که نظر هر کدام از فریقین ذیل هر مطلب می‌باشد که بعضی موارد اتفاق و در بعضی دیگر اختلاف داشته‌اند. آن‌هایی که باعث تحریم می‌شوند نسب، سبب و رضاع، تعدد زوجات، سه طلاق، نه طلاق، احرام، زنا، لعان می‌باشد. در مورد محارم نسبی اتفاق نظر داشتند. در مورد محارم سببی مظاهره در مواردی اتفاق و در موارد اختلاف وجود دارد و مورد اختلافی این است که مرد زن را عقد کرده ولی دخول انجام نشده و چه نگاه محبت‌آمیز و لمس داشته‌است.

در رضاع اختلافاتی و اتفاق نظر وجود دارد برای مثال امامیه به پانزده بار شیر خوردن برای ایجاد رضاع حکم دادند ولی مذاهب اهل سنت یک مقداری شیر یا پنج بار شیر دادن را سبب نشر حرمت ناشی از رضاع می‌دانند.

تعدد زوجات یا زنا یا زنان همسر دار و لعان و احرام هر کدام احکامی داشتند که بیان شد و هر کدام از فریقین نظراتی داشتند لعان شافعی و امامیه و حنبله و مالکیه اتفاق دارند به حرام ابد حتی اگر دروغ بگوید ولی حنفیه لعان را مثل طلاق می‌دانند و حرمت ابدی جاری نمی‌شود حتی اگر دروغ بگوید حرمت از بین نمی‌رود.

همچنین در مورد احرام فقط حنفیه اختلاف دارد که می‌گوید زن و مرد در صورت جهل می‌توانند در احرام ازدواج کنند اگر عالم باشند عقد باطل می‌شود و حرام ابد ولی امامیه شافعیه و مالکیه و حنبله این ازدواج را باطل می‌دانند چه در جهل و چه علم زن شوهر دار هیچ اختلافی نبود. نه طلاق و سه طلاق هم اتفاقی است.

منابع

*قرآن، حسین انصاری

۱. ایت الله سیستانی ، سید علی، توضیح المسائل با تجدید نظر و اصلاحات و اضافات مطابق با فتوای ایت الله سیستانی، مشهد: دفتر حضرت ایت الله عظمی، ۱۳۹۳ش.
۲. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، محل نشر مشهد مقدس ایران، ۱۳۷۶ش.
۳. الرازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب = التفسیر کبیر، ۱۴۲۰ هجری، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.
۴. احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت: موسسه ارساله، چ دوم، بی تا.
۵. اردبیلی، محقق مقدس، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران: مرتضوی احیا آثار جعفری، بی تا.
۶. وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، الموسوعه الفقهیه، مترجم احمد نعمتی، بی جا، احسان، ۱۳۹۶ش.
۷. ابن منظور، محمد بن بکر بن علی، لسان العرب ، بیروت: دار صا، ۱۴۱۴ق.
۸. بجریمی، سلیمان بن محمد، حاشیه علی شرح منهج الطلاب، بیروت: دارالفکر، ۲۰۰۷م.

۹. بحرانی، شیخ یوسف، مشهور به صاحب حدائق، **حدائق الناظره**، گردآورنده ایروانی، محمد تقی، قم: بی نا، بی تا.
۱۰. بغوی شافعی، ابو محمد الحسین بن مسعود، **شرح السنه**، بیروت: مکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. بنی هاشمی حسینی، سید محمد، **توضیح المسائل مراجع مطابق با فتوای سیزده نفر از مرجع معظم تقلید**، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۵ش.
۱۲. بیهقی، احمد بن الحسین، **سنن کبری**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۳. جزیری، عبدالرحمن، **الفقه المذاهب الاربعه**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ه، ۲۰۰۴ق.
۱۴. جواهری، اسماعیل بن حمار، **الصحاح**، بی جا، امیر ی، ۱۳۶۸ش.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف، **تذکره الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۰ق.
۱۶. خمینی، روح الله، **تحریر الوسيله**، با تحقیق عباس ظهیری، قم: ناشر موسسه و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
۱۷. سبحانی، جعفر، **نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء**، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، بی تا.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور**، دارالمعرفه، بیروت.
۱۹. شهید ثانی، **روضه البهیه فی شرح المعه**، تحقیق سید محمد کلانتر، بی جا، بی نا، ۱۳۸۶ش و ۱۳۹۸ش.
۲۰. صفایی، حسین، امامی، اسدالله، **مختصر حقوق خانواده**، تهران: نشر میزان، چ ۸، بی تا.
۲۱. طباطبایی، سید علی بن ابی المعالی طباطبایی حائری، **ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل**، قم: بی نا، بی تا.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) مکان چاپ: قم.

۲۳. طبری، ابی جعفر محمد جریر، جامع البیان فی التفسیر القرآن.
۲۴. عاملی نبطی جزینی، شمس الدین محمد بن مکی بن احمد، **لمعه دمشقیه**، بیروت: دارالعلم الاسلامی، بی تا.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، قم: ناشر موسسه دارالهجره، بی تا.
۲۶. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، **شرایع الاسلام**، قم: دارالتفسیر، چ دوم، ۱۳۷۷ش.
۲۷. مغنیه، محمد جواد، **الفقه علی مذاهب الخمسه**، کانون ثانی، ۱۴۰۲ق. ۱۹۸۲م، ۱۳۶۱ش.
۲۸. میبدی، ابوالفضل رشید الدین، **کشف الاسرار و عده الابرار**، ۱۳۷۷ دانشگاه تهران.
۲۹. نجفی الجواهری، شیخ محمد حسن، **جواهر الکلام**، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۱ش.
۳۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، **مسند شیعه**، مشهد: موسسه ال البيت (علیه السلام) الحیاء الثرات، ۱۴۱۵قمری-۱۳۷۳ش.
۳۱. نیشابوری، مسلم، **ص حیح بن مسلم**، بیروت: دارالحیاء الثرات عربی، بی تا.
۳۲. هاشمی شاهرودی، محمود، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل البيت علیهم السلام**، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی در مذهب اهل البيت علیهم السلام، ۱۳۹۲- ۱۳۹۵ش.